



صبح های جمعه شنیدنی

مهدیه رضایی

روزنامه نگار

کافی است شنوندگان پرویا قرص رادیو نام «صبح جمعه با شما» را بشنوند، آن وقت است که گل از گل شان می شکفت، چرا که صبح جمعه با شما نه فقط جزو برنامه های قدمت دار رسانه است، بلکه سال هاست هنرمندان در این برنامه سعی کرده اند در قالب بخش های نمایشی متنوع و جذاب مردم را بخندانند.

بنابراین برنامه صبح جمعه با شما برای اکثر مردم، یادآور فضایی شاد و همراهی با اعضای خانواده است، زیرا همه در خانه بودند و گوش شان را به رادیو می سپاردند تا شنونده برنامه باشند. به همین دلیل سال هاست این برنامه با صداهایی همراه شده که رسالت نشاط بخشی و نقد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را توأمان دارند.

صبح جمعه با شما که از رادیو ایران پخش می شود، سال ها با نام هایی مثل جمعه ایرانی و حالا صبح جمعه با شما، روی آنتن رفته است.

برای شنوندگان پیگیر این برنامه آقای ملون با صدای منوچهر نوذری، جانعلی با جان بخشی عباس محبی و... یادآور مطایبه و کنایه است. اتکای صبح جمعه با شما به گنجینه های ارزشمندش چون اصغر سمسارزاده، بیوک میرزایی، داوود منفرد و... است. خنک کردن دل مردم با زدن حرف های مانده در گلویشان و شاد کردن شان از راه هیجانی که به آنها تزریق می کنند.

می توان ماندگاری این برنامه را در متن و بازی هادانست. نویسندگان برنامه می کوشند در نوشته های شان تلنگری به معضلات جامعه و مشکلات مردم بزنند اما به هیچ وجه کام مردم را تلخ نمی کنند، چرا که هنرمایی هنرمندان این برنامه روی متن ها باعث می شود مشکلات با زبان طنز گفته شود و همین به جذابیت برنامه اضافه کرده و باعث ماندگاری این برنامه در طول این سال ها شده است.

از سوی دیگر هنرمندان این برنامه با این که پیشکسوت هستند، همچنان با شور و علاقه و با انگیزه فراوان جلوی میکروفن برنامه حاضر می شوند و می کوشند با بهره بردن از بداهه گویی هنگام خواندن متن نمایشنامه ها آن را برای شنوندگان خواندنی تر کنند، حتی وقتی پای صحبت هنرمندان این برنامه می نشینیم، متوجه شور و هیجان آنها برای تپ گویی های متفاوت در برنامه خواهیم شد. همچنین همه از کار با یکدیگر لذت می برند و همین موضوع از دیگر امتیازات برنامه صبح جمعه با شما محسوب می شود.

کار هنرمندان در این برنامه دلی است. همه مثل یک خانواده کنار همدیگر حضور دارند و با درد و غم هم آشنا هستند. البته این جو در همه برنامه ها وجود ندارد و همین باعث شده تا هنرمندان خود را با هر شرایطی وفق بدهند.

علاوه بر آن تعدادی از هنرمندان این برنامه در مسیرهای دور زندگی می کنند اما با نگرانی خودشان را به موقع به برنامه می رسانند. همه آنها دلی پای کار هستند و وقتی پشت میکروفن قرار می گیرند غم و غصه های شان را فراموش می کنند و عاشقانه کار می کنند. همین موضوع باعث شده تا برنامه هنوز هم برای مخاطبان شنیدنی باشد.

همچنین پرداختن به موضوعات روز هم منجر به این موضوع شده که برنامه طراوات خود را حفظ کند و گروه سازنده هم ساعت ها وقت می گذارد تا برنامه را برای مخاطبان همچنان سر پا نگه دارد.

خاطره گویی پیشکسوتان و هنرمندان برنامه «صبح جمعه با شما»

یادش بخیر قدیما

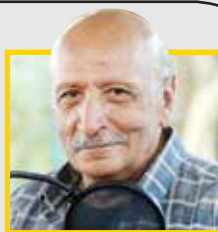
یکی از برنامه های پرطرفدار رادیویی که کمتر کسی آن را نشنیده، برنامه «صبح جمعه با شما» است که با عناوین مختلف روی آنتن رادیو ایران رفته، برنامه ای که با گذشت سال ها هنرمندان و مردم با آن خاطره دارند و هنوز هم یاد آن روزها می کنند. در این صفحه خاطرات هنرمندان را یادآوری کردیم.

مریم کریمی

روزنامه نگار

وقتی دکمه ضبط خاموش بود

اصغر سمسارزاده: به یاد دارم مادر میدان ارگ ضبط برنامه داشتیم. یک صدا بردار داشتیم که نمی دانم مشکل خانوادگی داشت یا این که یکی از اعضای خانواده اش مریض بود. خلاصه خیلی به هم ریخته بود. نیم ساعتی از اجرای ما گذشت که خطاب به ما گفت: آقاست نگه دارید! ما متعجب شدیم که چه اتفاقی افتاده است؟ خلاصه او هم با شرمندگی گفت: من فراموش کردم دکمه ضبط را بزنم! بنده خدا یادش رفته بود (می خندد) البته ما اصلاً ناراحت نشدیم، چون همه با هم رفیق بودیم و کلی هم خندیدیم.



ماجرای خنده های مردم

جواد انصافی: ما در این برنامه دو گروه بودیم و یک هفته در میان اجرا داشتیم. یک گروه آقای نوذری و یک گروه هم آقای عیوضی و عبدالهی که کارگردانی و نویسندگی را به عهده داشتند. در واقع اوستا، عبدلی و جانعلی همه در این گروه بودند. گروه ما یک وزنه ای مثل آقای نوذری را کم داشت. ما به این فکر بودیم که چطور بیشتر تماشاچی را بخندانیم تا بیشتر از اجرا لذت ببرند. خلاصه تصمیم گرفتیم که عبدلی و اوستا را با لباس اجرا کنیم؛ مثل این که تماشاچی تئاتر آمده، ما هم زنده اجرا می کردیم و مردم هم کلی می خندیدند. بعد از مدتی گروه مقابل متوجه شد حتی زمانی هم که ما کلام نداریم، جمعیت می خندند، به همین دلیل یکی را فرستاده بودند تا ببینند چه اتفاقی افتاده که حتی زمانی هم که کلامی نمی شود، تماشاچی می خندد و لذت می برد.



گل می گفتیم و گل می شنیدیم

امیر پارسی: همه روزهایی که اجرای برنامه جمعه ایرانی را به عهده داشتیم برای مان خاطره است؛ همه قدیمی ها دور هم جمع می شدیم، گل می گفتیم و گل می شنیدیم. یادش بخیر رضا عبدلی، آقای هرندی، تورج نصر و... همیشه دور هم جمع می شدیم و یاد خاطره های قدیم می افتادیم و می خندیدیم. خیلی خوش بودیم. همه اینها خاطره است؛ تمام دورهمی ها، دوستان قدیمی، یادش بخیر!



درد دل مردم

نسرین زارع: این برنامه از همان آغاز متعلق به مردم بود. خوب به یاد دارم که همه همیشه این برنامه را دوست داشتند. حتی خودم هم از بچگی صبح های جمعه، رادیو را به آشپزخانه می بردم و وقتی کارهایم را انجام می دادم، این برنامه را هم گوش می کردم. آنچه در این برنامه گفته می شود، درد دل مردم است و آنچه که در دل جامعه اتفاق می افتد.



تنبک دردسرساز

ایزد کاویانی: زمستان بود و هوا بسیار سرد. من همراه یکی از کارکنان فضای سبز برای گرم کردن تنبکم به زیرزمین رفتم. یکی از بچه ها منو صدا زد که زنده یاد آقای نوذری با شما کار دارد. من هم با عجله از پله ها که تقریباً یخ زده بود بالا می رفتم که تنبکم افتاد از وسط دو نیم شد. آن زمان هم فقط همین تنبک بود و در داخل استودیو هم سرتاسر تماشاچی نشسته بود. چاره ای نداشتیم، رفتم استودیو هشت و تنبک را بین دوپایم نگه داشتم و شروع کردم به ضرب زدن.



نوذری کاربلد گروه

علیرضا جاویدنیا: ما گروه مستقلی بودیم که نه دچار مکررات می شدیم، نه درجای زدیم و نه مطلبی از جایی کپی می شد و... زنده یاد آقای نوذری کاربلد بود و ما گروهی بودیم که از لحاظ موسیقی، متن، بافت برنامه و نویسندگی و... همه چیز عالی بود و مخاطبان از اجراها لذت می بردند. الان بعد از گذشت این همه سال هنوز هم مردم من را در خیابان یا جایی می بینند، یاد آن روزها می کنند و می گویند که ما با برنامه شما زندگی کردیم، امیدوارم لیاقت محبت خدا و مردم داشته باشیم.



برای شنیدن
قسمتی از این برنامه
کوارکد را
اسکن کنید